

۲۰۰۴۲۴۸

ده نفر قزلباش

جلد اول

نگارنده:

حسین مسرور

سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور:
 مشخصات نشر: مشخصات ظاهری:
 شابک: شابک:
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: داستان‌های تاریخی
 موضوع: Historical fiction
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: Persian fiction -- 20th century
 رده بندی نگره: IPIR ۸۲۱۱ الف ۱۳۹۷ ۹ داس /
 رده بندی دبیر: ۶۲/۳۶۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۷۱۸۳



ده نفر قربانم



- نویسنده: حسین مسرور
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت دوره: ۱۹۳,۰۰۰ تومان
- شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۲۰-۱
- شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۲۴-۹

آدرس: خ لیافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
 تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

www.ParNashr.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سخن ناشد
۷	پیش مار
۹	پیش نکر
۱۲	کاروان هرات
۲۱	شیگیر
۲۹	درون قلعه‌ی تربت
۴۴	عشق خوش آغاز
۵۷	باغ سعادت آباد
۶۸	ایلچی روم
۷۳	سیب خوشبوی هرات
۷۸	سه نفر صوفی
۹۸	مہتاب مہمان دوست
۱۰۷	تبریز شریک پایتخت
۱۱۵	قاپوق در انتظار
۱۲۸	شب‌های باغ یاس
۱۳۸	پذیرایی در یک موزه‌ی پربها
۱۵۲	کاروان حجاز
۱۶۷	زندانی قلمه قهقهه
۱۸۴	شمع بی زبان
۱۹۳	در بهشت آباد
۲۰۵	سلامه‌ی آسیابان

۲۱۲	 جشن در چمن
۲۱۹	 انجمن ستاره‌شناسان
۲۳۴	 اسب هروس
۲۴۸	 سرنوشت
۲۷۰	 حق و حساب
۲۹۸	 دوم نوال
۳۲۳	 عشت خورشید انجام
۳۳۷	 با عجب را
۳۵۹	 شبگیر
۳۸۴	 خانهای ارشد
۳۹۵	 شب آستن
۴۲۴	 در روشنائی سحر
۴۳۴	 مردان تاریخ
۴۵۱	 پادگان صفی‌آباد
۴۷۸	 پس زن پرستو کجا بنشیند؟
۵۰۴	 یک وجب از خاک ایران به دشمن نخورسم داد
۵۳۶	 در کاخ تخت صفر
۵۵۹	 آفت تأخیر
۵۷۳	 آشیانه‌ی عقاب یا قلمه‌ی الموت
۶۲۶	 تبریز وظیفه‌ی خود را انجام می‌دهد
۶۵۲	 طوفان انتقام
۶۵۶	 شنب‌غازان و گنبد غازان خان
۷۴۰	 صبح نیشابور

کتابی که در پیش رو دارید با نام «ده نفر قزلباش» یکی از رمان‌های ارزشمند و مهم تاریخی ایرانی است که ا. ساعی سیاح، اجتماعی و فرهنگی ایران را در عصر صفوی به خصوص در سال‌های حکومت شاه اسماعیل، شاه عباس و شاه عباس دوم به تصویر می‌کشد. مسرور با نوشتن این رمان یکی از مهم‌ترین نویسندگان رمان تاریخی ایران به شمار می‌رود. ماجراهای ده نفر قزلباش از زمانی آغاز می‌شود که پس از قرن‌های متمادی تسلط حکومت‌های مختلف، بعضاً بیگانه بر گوشه و کنار ایران، صفویان با در دست داشتن دو سلاح تشیع و ایرانیت برپا خاستند تا ایران را از مرگ بخته را یکپارچه و متحد و دست اجانب را از آن کوتاه کنند. لیک دشمنان متعددی مانند ازبک‌ها، عثمانی‌ها، دولت‌های غربی نمیتوانستند آرام بنشینند... ده قزلباش که از سوی شاه طهماسب صفوی به ماموریت مهمی رفته‌اند. داستان این رمان از آنجا آغاز می‌شود که حرمخانه سلطنتی شاه طهماسب، در ارگ تربت حیدریه، به محاصره عبدالله خان ازبک درآمده است. شاه صفوی که تسلیم حرمخانه به ازبک‌های ضدشیم را بی‌ابرویی بزرگی می‌داند، به ۱۸ قزلباش از استان زنجان ارتش صفویه (داوطلب، دستور می‌دهد شب و روز بتازند و در زمان کوتاهی از قزوین به تربت حیدریه برسند. آنان باید به هر قیمتی شده از صف محاصره ازبک‌ها عبور کنند و حکم مرگ زنان حرم‌سرای سلطنتی را به دست رانندگان خاصه برسانند. از ۱۸ سربازی که برای این کار داوطلب شده بودند، هشت قزلباش کشته می‌شوند و بقیه نجاتشان را به ارگ سلطنتی می‌رسانند...

ماجراهای کتاب «ده نفر قزلباش» از زمانی آغاز می‌شود که پس از قرن‌های متمادی تسلط حکومت‌های مختلف و بعضاً بیگانه بر گوشه و کنار ایران، صفویان با در دست داشتن دو سلاح تشیع و ایرانیت برپا خاستند تا ایران را از هم گسیخته را یکپارچه و متحد و دست اجانب را از آن کوتاه کنند. لیک دشمنان متعددی مانند ازبک‌ها، عثمانی‌ها و دولت‌های غربی نمیتوانستند آرام بنشینند... ده قزلباش که از سوی شاه طهماسب صفوی به ماموریت مهمی رفته‌اند. داستان این رمان از آنجا آغاز می‌شود که حرمخانه سلطنتی شاه طهماسب، در ارگ تربت حیدریه، به محاصره عبدالله خان ازبک درآمده است. شاه صفوی که

تسلیم حرمخانه به ازبک‌های ضدشیعه را بی‌آبرویی بزرگی می‌داند، به ۱۸ قزلباش (سربازان ارتش صفویه) داوطلب، دستور می‌دهد شب و روز بتازند و در زمان کوتاهی از قزوین به تربت حیدریه برسند. آنان باید به هر قیمتی شده از صف محاصره ازبک‌ها عبور کنند و حکم مرگ زنان حرم‌سرای سلطنتی را به دست رئیس قراولان خاصه برسانند. از ۱۸ سربازی که برای این کار داوطلب شده بودند، هشت قزلباش کشته می‌شوند و ۱۰ نفر خودشان را به ارگ سلطنتی می‌رسانند...

این کتاب از مهمترین نمونه‌های رمان تاریخی فارسی است. داستان از زمان شاه طهماسب اول آغاز و دیگر شاهان این سلسله ختم می‌شود که در سالهای پس از شهریور ۱۳۳۰ منتشر شده. «مسرور» که او را می‌توان از بهترین نویسندگان داستان‌های تاریخی ایران دانست، در «ده نفر قزلباش»، توانایی برجسته‌ای در روایت و پرورش شخصیت‌ها، کاربرد زبان ویژه عصر صفوی و توصیف دقیق اوضاع اجتماعی و اداری و شیوه زندگی در آن دوران از خود نشان می‌دهد.

پیش گفتار

پرویش روحی و جسمی مریدان خائقه اردبیل و تعلیمات عالییه‌ی تصوف، یک خانوادگی صوفی را توانا ساخت که با همه‌ی مشکلات طاقت‌فرسا و سختی‌های کوه‌پیکر مقاومت کنند. روستای پرویش خرابات‌نشین و صوفی خرفه‌پوش، با بزرگ‌ترین دولت‌های جهان پنج در اندامه، پیشانی هر یک را بر خاک طاعت و بندگی نهند، نقشه‌ی ایران بزرگ را که باطنی قلابی است و اصول عالییه‌ی ایرانی باشد طرح کرده به موقع اجرا گذارند، شهرها و روستاهای آن که در آتش اختلافات می‌سوخت، یکنواخت کرده و هر نغمه‌ی مخالفتی به گوش می‌رسید از میان بردارند، با دشمنان داخلی و خارجی جنگیده همه را به اطاعت از حکومت ملی مجبور سازند و هنوز نیم‌قرن از قیام شاه حیدر نگذشته بود که ایرانی به هدف خود رسید.

صفویه یک ایران متحد از خود برجاء می‌گذاشتند که با یک ملت هم‌صدا و هم‌کیش اداره می‌شد، پشت سر پادشاهانی که همه چیز خود را برای ایران می‌خواستند و ایران را برای ایرانی! این بود شعار شاهان صفوی.

چون شاهان صفوی با قوه‌ی ایمان سلطنت می‌کردند و بیروان ایشان بنا به اصول صوفی‌گری و پیر و مریدی، فرمان مرشد کامل (شاه) ایرانی کردند، نوع حکومت آنان با حکومت‌های استبدادی و قهر و غلبه بر ایل و عشیره، فرق بسیار داشت. روی همین اصل بود که حکومت عهد صفوی، حکومت ملی و کاملاً آزادی بود که ادیان کمتر نظیر آن را دیده بودند.

شهریاران این سلسله به قدری محبوب ایرانیان بودند که گاهگاهی اشخاص به دروغ خود را به صفویه نسبت می‌دادند و مردم هم فریب‌خورده دور ایشان جمع می‌شدند. بلکه اگر دقت کنیم سرکشی و شورش‌های مردم ایران در دوران نادری هم از این منبع سرچشمه می‌گرفت و از این علاقه‌ی ناشی می‌شد، یعنی مردم میل نداشتند یکی دیگر را به جای آن خاندان بر تخت سلطنت ایران مشاهده کنند، گرچه جهانگیر و فاتح باشد.

پادشاهان صفوی به قول امروز دموکرات کامل بودند و با مردم زندگی کرده، با لباس درویشی با افراد و جماعات آمیزش می‌نمودند، وضع مردم را زیر نظر داشتند در خیال اندوختن مال و ثروت برای خود نبودند و اکثر مخارج خود و حرم‌خانه را از ممر عایدات

مستقل و درآمدهای شخصی خودشان تأمین می‌کردند، و دست به پول مالیات دیوان (دولت) نمی‌زدند.

از طرف دیگر، خزانه‌های پادشاهی و گنجینه‌های سلطنتی ایشان از کثرت طلا و جواهر چشم جهانیان را خیره می‌ساخت.

به قول «شاردن» سیاح، آدمی پشت تل جواهرات دیده نمی‌شد و گنج خانه‌ی اصفهان، در قلعه‌ی طبرک از گوهرهای گرانبها آکنده بود.

دولت صفوی پس از آن که ایرانی متحد ایجاد و زنگ اختلاف و نفاق را از دفتر حیات ملت ایران پاک کرد، دنیا وارد عهد جدید شد و جهان با اوضاع تازه‌تری روبرو گردید. دولت روسیه بنای بزرگ‌شدن را گذاشته، به سرحدات ایران نزدیک گردید. دولت ازبک در مرکز آسیا تأسیل شد. مدعی مالکیت خراسان شد. دولت عثمانی یک دولت عظیم و یک امپراتوری اسلام‌ساز شده، ممالک مسلمان را بنا به عنوان خلافت، ملک مطلق خود می‌پنداشت.

از همه بدتر، دوا ته‌های اروپا با سپاه و ساز و برگ به سواحل آسیا پیاده شده، ایران و هند را مطمح نظر و لقمه‌ی دیند خورندگی پنداشته در کناره‌های این دو مملکت به عنوان تجارت به اقسام مختلفه، برای تود و تخریب را گذاشته بودند. خوشبختانه در این موقع صفویه مالک‌الرقاب بودند. محبت ایران مانند یک فرد واحد، دارای دین و مسلک و عقاید منظم و یکسان بود و آبادانی آن در حد کمال سیر می‌کرد، پادشاهی چون شاه عباس کبیر فرمانروای کشور و سپاه فاتح، و در مرزهای ایران نشسته بود. بهترین نوع راهسازی که امروز در عالم معمول است، آن روز در ایران منشاء عمل بود و تجارت خارجی و روابط اقتصادی ایران، آغاز حرکت و جنبش بود. بنا بر این جهات، دشمنان عصر جدید نیز در پشت دیوارهای ایران متوقف مانده، خنجر عام خود را از سر به در کردند. این‌ها بود جهاتی که دوران صفوی را مطلوب ایرانیان ساخته پادشاهان آن دودمان، محبوب ملت و آثار جاویدانشان مورد مدح و ثنای آیندگان گردید.

پیش‌نگار

سنگ‌های شروع به نشر داستان ده نفر قزلباش کردیم که پس از شهریور ۱۳۲۰ بود، مردم ایران در آثار ناکامی‌های گوناگون و محرومیت‌های بسیار، مأیوس و دشمنان برای نابود کردن آثار مری و خاصیت‌های نژادی ما با تشکیلات اساسی و توبیاد، و برنامه‌های تخریبی دامنه‌دار، شروع به کار کرده بودند. ما نیز در برابر این الهام سر تسلیم فروز آورده تا پایان جلد چهارم، نشر آن را ادامه دادیم و منت خدای را که به منظور نهایی خویش، یعنی مبارزه با بدخواهان و خدمت به این آب و خاک کامیاب گشتیم، زیرا جای بسی تأسف بود که ادبیات جهانی ما با آن هم‌تاب و تاب، از داشتن داستان‌های تاریخی و این سنخ ادبیات که در جهان امروز پیشرفت شایانی کرده، عرو و بی‌تصبیب باشد.

امیدوار چنانیم که فرزندان آن نیاکان نامدار، که چهره‌ی شاداب و کوشای پدران خود را در این آینه‌ی تابناک می‌نگرند، سعی کنند تا از آن گزشتگان عالی‌مقام، بازماندگانی شایسته و جانشینانی پرافتخار باشند.

در خرابات مغان، نور خدا می‌بینم

دشت مغان یکی از نواحی اسرارآمیز و کانون کیش و آیین داستان، و شهر اردبیل و ساحل ارس، تکیه‌گاه ملیت و فرهنگ ایران پیشین بود. به قول شاعر، کیخسرو به اردبیل رفت و در آن شهرستان عبادتگاهی ساخته، لباس عبادت پوشید و خود را سال در آن جا مقیم شد و به خدمت آتشکده کمر بست. در عهد ساسانی نیز آذربایجان به طور کلی سرزمین مقدس، و اردبیل کانون پرستش و توجه مردم بود بلکه پادشاهان (مانند خسرو پرویز) پیاده برای زیارت به آن استان می‌رفتند.

بعد از اسلام، ایرانیان برای تجدید ملیت خود با تمام قوا به کار و کوشش پرداختند و قیام‌های پی در پی ایرانیان تا ظهور ابومسلم خراسانی و تشکیل خلافت عباسی نتیجه‌ی آن جنبش و نهضت بود.

همین که بنی عباس آغاز مخالفت با ایرانیان نموده و برای عقب‌زدن ایرانیان، دست به دامن ترک‌ها شدند، ایرانیان در مراکز خود یعنی در جنگل‌ها و کوه‌های گیلان و آذربایجان و طبرستان به مخالفت برخاسته، سرداران دیلمی و زیاری که خود را از نژاد ساسانی می‌شمردند با عنایت به اسلام، آغاز پیشرفت کرده، بر بیشتر اقطار ایران مسلط شدند، اما ظهور سلجوقیان و اتحاد ایشان با بنی عباس پیشرفت را متوقف ساخته، دولت‌های دیلمی و زیاری نیز از صحنه تاریخ برکنار شدند و ایران بر اثر بروز اختلافات، کانون جنگ‌های داخلی و کشتارهای شهری و محله‌ای شد تا جایی که شهرها ویران و مردم به جان یکدیگر افتادند. در همین اوقات بود که اجاق‌زاده (شاه اسماعیل) از مهد ایرانیت باستان و مرکز روحانیت زردشتی قدیم (سپهر) و گاهواره‌ی تصوف جدید (اردبیل) بیرون آمده، به کمک معتقدان و پیروان بر اثر نهی‌های فراوانی نشست.

این سرزمین رموز یعنی وطن زردشت و شیخ صفی، دارای یک حقیقت مخفی و اسرارآمیز بود که چنانچه خلایق آن در پادشاه اول صفوی جلوه‌گری داشت و کمال علاقه‌ی ایشان به یک ایران آریه‌ت‌نژاد تحت لوای یک دین و کیش ملایم با طبع ایرانی سبب می‌شود که نام‌های طهماسب - بهرام - سام - گرشاسب را اختیار می‌کردند و همه شئون ملی ایرانی را با دیده‌ی احترام می‌نگریست.

صفویه

خانقاه اردبیل همان کانون ایران‌پرستی بود. ایرانیان، سارمی یا اسلامیت ایرانی از اجاق (آتشدان) اردبیل سوز و ساز می‌گرفت. در این کانون آیین و آتش‌خانه‌ی سرمدی، فلسفه‌ی مغان با شعوبی باستان و تشیع دوازده امامی و تصوف عمیق ایرانی، یکدیگر سرشته شده، ساحل ارسباران را مهد الهام و پرستش ساخته بود. شیخ زاهد گیلانی، شیخ شهاب‌الدین اردبیلی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ایران‌کانون را تابان و فروزان ساخته بودند.

ای صبا گر بگنری بر ساحل رود ارس

بوسه‌زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

قزلباش

در کتب تاریخ نوشته‌اند که شاه حیدر، پدر شاه اسماعیل صفوی در خواب دید که سپاهیان کلاه سرخ بر سر دارند، چون یی‌دار شد فرمان داد کلاه‌هایی از ماهوت سرخ

دوازده ترک که نشان شیعی دوازده امامی است برای سپاهیان ساختند و به قزلباش موسوم گردیدند.

به نظر ما کلمه‌ی قزلباش، ترکی شده‌ی (زرین کلاه) است که شعار و امتیاز جد اعلای صفویه، فیروز شاه زرین کلاه بود، و زرین کلاه یا زرینه کفش، امتیازات خاندانی بود که از ریشه‌ی پادشاهان ایرانی بودند و مانند آن در ترکی «قرل ایاغ» است که به معنی زرین کفش می‌باشد. پس همان‌طور که مقصود از قرل ایاغ، پای سرخ نبوده و کفش طلایی است، قرل باش نیز به معنی زرین کلاه می‌باشد.

کلمه‌ی قزلباش در اوایل صفویه خاص سپاهیان ایشان بود، اما کم‌کم شامل همه‌ی مملکت ایران گردید چنان‌که در پایان عصر صفویه، ایران را مملکت قزلباشیه، و ایرانیان را قزلباش می‌نامیدند و هندوستان مسجد و تکیه‌ی ایرانیان را مسجد و تکیه‌ی قزلباش‌ها می‌خواندند.

در خاتمه امید داریم که ملت ایران در این داستان‌های نیاکان خویش، به نظر عبرت نگریسته، کردار و رفتاری را از نظر دور ندارند و به شیوه‌ی آن پدران نامدار در روزهای خطر، دامن همت استوار ساخته به استقبال سیل حوادث بشتابند، و برای حفظ بقا و موجودیت خود از گذشتگان به ما درس‌طین خویش الهام گرفته، سرخط کهن خود را که اثبات در برابر حوادث و مبارزه با اهریمن است، با حواهان است به دست باد حوادث نسپارند.

تهران - امیرآباد - حسین مسرور

سخن‌یار